

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۷۲۳۳۲

دانشگاه قم
مرکز تربیت مدرس

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مدرسی الهیات و معارف اسلامی

موضوع

نظریه امامت در تفسیر الکبیر، المنار، المیزان

استاد راهنما

استاد آیت الله محمد هادی معرفت

۱۳۸۴ / ۵ / ۱۰

استاد مشاور

استاد محمد حسین حشمت پور

نگارش: سید محسن مدنی

تابستان ۱۳۸۳



مرکز تربیت مدرس

مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران

اهداء و تقدیم

این اثر ناچیز را به پیشگاه قلب عالم امکان امام
زمان، قائم آل محمد (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تقدیم
می‌کنم.

تقدیر و تشکر

لازم می‌دانم از زحمات استاد راهنمای ارجمند حضرت آیت الله محمد هادی معرفت که راهنمایی‌های ایشان راهگشا و چراغ راه بود و همچنین از صمیمیت استاد متعهد و فاضل جناب استاد محمد حسین حشمت‌پور که راهنمایی‌های دقیق و عالمانه ایشان بی‌شک در کمال و ارتقاء این اثر نقش اساسی داشت تشکر و قدردانی کنم.

سخن آغازین

ما در این نوشتار در پی آنیم که امامت را از نظر سه تفسیر قرآن، یعنی: تفسیر الکبیر، المنار، المیزان بررسی و تحلیل نماییم به عبارت دیگر پرسش اصلی که به دنبال پاسخ آن هستیم عبارت است از این که امامت، چه جایگاهی در سه تفسیر مهم قرآن (تفسیر الکبیر، المنار، المیزان) دارد و قصد داریم چگونگی امامت، تعیین امام، شرایط و صفات امام و همچنین وظایف و عملکردهای امام را بازخوانی مجدد کنیم.

امید است این نوشتار تحت توجّهات حضرت بقیة الله ارواح العالمین له الفداء قرار

گیرد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چکیده

بحث امامت با سرنوشت بشر و شؤون روحی و اجتماعی وی پیوند خورده و مسأله مهم و قابل بررسی می‌باشد، که نوشته‌ها و تألیفات مردان بلند همت روزگاران گذشته و حال گواه محکمی بر این مدّعاست و هر چه زمان می‌گذرد و بشر سیر صعودی خود را می‌پیماید اهمیت آن بیشتر معلوم می‌شود، بنابراین، تحقیق و پژوهش در این مطلب ضروری می‌نماید و برای بررسی زوایای مختلف آن باید بحث را از ریشه و ماهیت این مسأله آغاز کرد.

مجموعه حاضر در همین راستا به مباحث امامت عامه از منظر سه تفسیر مطرح بین اهل سنت و شیعه (التفسیر الکبیر و تفسیر المنار و تفسیر المیزان) پرداخته و سعی شده این مسأله که اساساً اختلاف شیعه و سنی در مسائل امامت فراتر از اختلاف در مصادیق می‌باشد و به تبیین در مفهوم امامت برمی‌گردد و امثال مرحوم عبدالرزاق لاهیجی و شهید مطهری آن را مطرح نموده‌اند را روشن و مبرهن کند.

مباحث این مجموعه در چهار فصل عمده و یک پیش‌گفتار گنجانده شده است که در فصل نخست از مباحثی همچون تعریف امام و امامت، گزارش تاریخی از تعریف‌های ارائه شده و تشابه و تفاوت آنها و اختلاف شیعه و سنی در برداشت از ماهیت امامت ذیل مقدمه بحث می‌شود و سپس از منظر سه تفسیر یاد شده به آیاتی که در آنها از عنوان امام استفاده شده به حقیقت این منصب و احتمالاتی که نسبت به تفسیر واژه «امام» در قرآن آمده پرداخته و انظار سه مفسر مورد نظر را متعرض می‌شود. و در آخر هم متعرض بحث هدایت به عنوان وظیفه اصلی امام شده است.

در فصل دوم: باز ذیل بحث همان آیات به انظار این سه مفسر مذکور راجع به انتصابی

بودن امام از طرف خدا یا انتخابی بودن او خواهد پرداخت و نقد و نظر آنها بیان می‌شود.
در فصل سوم: بحث از صفات امام از منظر آیات قرآن و بررسی انظار این سه مفسر خواهد پرداخت، آنچه در این بخش بیشتر مورد توجه است عصمت از خطا و گناه امام و علم امام است و به مباحثی چون تمایز عدالت از عصمت، عصمت و اختیار و علم لدنی امام هم پرداخته می‌شود.

در فصل آخر هم حق سرپرستی امام یا بهتر بگوییم ولایت امام از دید سه مفسر مورد نظر پرداخته خواهد شد و نظریه آنها را نسبت به حکومت امام و برداشت آنها را از آیاتی همچون آیه ولایت و اولی الأمر و... ارائه خواهد کرد.

در پیش‌گفتار هم پس از بیان اهمیت موضوع به رویکردهای متنوع در مباحث امامت پرداخته می‌شود، و در انتها یک گزارش اجمالی از سه تفسیر محور بحث آورده می‌شود.
بمنه و کرمه

فهرست موضوعات

۱	پیش‌گفتار:
۱	اهمیت موضوع
۳	رویکردهای متنوع در امامت‌شناسی
۵	رویکرد کلامی به مسأله امامت
۷	رویکرد تاریخی به امامت
۸	رویکرد عرفانی به امامت
۹	رویکرد فقهی به امامت
۱۰	نگاهی گذرا به سه تفسیر مورد بحث
۱۰	تفسیر مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر)
۱۱	تفسیر المنار
۱۲	تفسیر المیزان

فصل اول

حقیقت امامت در قرآن

۱۷	حقیقت و حقایق امامت در قرآن
۱۷	مقدمه
۱۸	امامت و امام
۲۱	اهم تعاریف ارائه شده از امام و امامت
۲۴	تمایز امامت از غیر آن

۲۴	تفاوت شیعه و سنی در تعریف امامت
۲۹	محور اصلی در مباحث امامت
۲۹	چند نکته درباره «ابتلاء»
۳۰	«کلمات»
۳۱	منظور از کلمات
۳۴	«اماماً»
۳۶	بررسی و ارزیابی نظریه اول
۳۹	احتمال اول
۴۰	احتمال دوم
۴۰	احتمال سوم
۴۲	بررسی وجوه این نظریه
۴۴	نظریه دوم
۴۴	۱) امام به معنای الگو:
۴۴	نقد و بررسی این نظریه
۴۵	۲) امامت بر پیامبران
۴۵	نقد و بررسی این تفسیر
۴۷	۳) زعامت سیاسی - اجتماعی
۴۷	نقد این تفسیر
۴۹	۴) هدایت باطنی انسان‌ها به ملکوت
۵۰	دلایل علامه طباطبائی بر این تفسیر
۵۶	هدایت مردم و وظیفه اصلی امام

فصل دوم

امامت یک منصب الهی و فراتر از گزینش بشری

۶۴	بررسی آیاتی که منصب امامت را یک منصب الهی می‌دانند
----	--

اشکال فخر رازی بر دلالت آیه شریفه ۶۵

فصل سوم

اوصاف و ویژگی‌های شخصیتی امام

مقدمه ۷۵

(۱) عصمت امام ۷۶

تحلیل مفهوم عصمت ۷۶

(۱) استدلال به آیه «أَنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» بر عصمت امام ۷۷

نظریه قائلین به عدم دلالت آیه مذکور بر عصمت ۸۱

(۲) استدلال به آیه اولی الامر بر عصمت امام ۸۳

اشکال بر دلالت آیه اولی الامر بر عصمت ۸۴

جواب از اشکال به دلالت آیه بر عصمت ۸۵

اولی الامر چه کسانی هستند؟ ۸۶

قول اول نظریه فخر رازی: اجماع علماء صاحبان امر مسلمین هستند ۸۶

قول دوم نظریه صاحب المنار: اهل حل و عقد صاحبان امر مسلمین هستند ۸۷

اشکال بر فخر رازی و صاحب المنار ۸۸

قول سوم: نظریه علامه طباطبایی و علماء شیعه ۹۰

مصادیق اولی الامر در روایات ۹۱

اشکالات فخر رازی بر این که مراد از اولی الامر ائمه ظاهرین باشند ۹۴

اشکال اول ۹۴

اشکال دوم: ۹۵

اشکال سوم: ۹۵

(۳) استدلال به آیه تطهیر بر عصمت ائمه شیعه ۹۶

مراد از اهل بیت در آیه شریفه ۹۹

عصمت و اختیار ۱۰۲

- ۱۰۴..... (۲) علم امام.....
- ۱۰۵..... نظر فخر رازی نسبت به علم اولی الامر.....
- ۱۰۷..... مراد از «من عنده علم الكتاب» کیست؟.....
- ۱۰۸..... (۳) یقین و امامت.....

فصل چهارم

امامت و حق سرپرستی

- ۱۱۴..... امامت و حق سرپرستی.....
- ۱۱۵..... دلالت آیه اولی الامر بر حق سرپرستی امام.....
- ۱۱۷..... دلالت آیه ولایت بر حق سرپرستی امام.....
- ۱۲۰..... مراد از «ولی» در آیه شریفه چیست؟.....
- ۱۲۳..... مراد از «الذین آمنوا» در آیه شریفه.....
- ۱۲۶..... اشکالات فخر رازی به دلالت آیه بر امامت.....
- ۱۲۸..... اشکال دوم.....
- ۱۲۹..... جواب.....
- ۱۳۱..... اشکال سوم.....
- ۱۳۲..... جواب از جهات چهارگانه اشکال فخر رازی.....
- ۱۳۴..... اشکال چهارم.....
- ۱۳۵..... جواب.....
- ۱۳۶..... فهرست منابع و مآخذ.....

پیش‌گفتار:

اهمیت موضوع

مطالعه و پژوهش در حقیقت و حقیقت امامت سابقه‌ای بسیار طولانی در اندیشه اسلامی دارد. آثار گوناگون و رساله‌های مستقل، در امامت و مسائل فرعی آن، نشانگر اهمیت این مسأله نزد دانشمندان مسلمان است. مورخان اندیشه اسلامی بر آنند که نزاع بر سر جانشینی پیامبر گرامی اسلام ﷺ از نخستین مباحثی است که پس از آن حضرت، نزد امت اسلامی رواج یافت. مواجهه شیعه با مسأله جانشینی پیامبر ﷺ و ارائه نظریه امامت به عنوان استمرار نبوت بود که آن را جزو تعالیم و آموزه‌های دینی اسلام درآورد.

شیعیان: معتقد به امامت دوازده امام معصوم بعد از پیامبر ﷺ هستند و این اعتقاد خویش را با براهین عقلی و ادله محکم و مستند به آیات قرآن و سنت صحیح نبوی که در کتب حدیثی شیعی و سنی موجود است اثبات می‌کنند.

از احادیث و روایاتی که محدثان اعم از سنی و شیعه نقل کرده‌اند به روشنی استفاده می‌شود که: پیامبر گرامی اسلام از دوازده جانشین خود خبر داده است از جمله بنا به نقل «مسلم» که از جابر بن سمره نقل می‌کند پیامبر ﷺ فرمودند:

«لا يزال الإسلام عزيزاً إلى اثني عشر خليفة»^(۱)

این دین همچنان عزیز و آسیب‌ناپذیر می‌ماند مادامی که دوازده خلیفه رهبری آن را در دست گیرند».

مفسران احادیث اهل سنت در معرفی این دوازده جانشین با سردرگمی مواجه شده‌اند و نتوانسته‌اند یک گروه دوازده نفره به هم پیوسته را، که عزت و عظمت اسلام به وسیله آنان

۱. صحیح مسلم، جزء ششم، ص ۳، باب امارت و خلافت.

تضمین شده باشد معرفی کنند زیرا همه می‌دانند که پس از عصر خلافت خلفای راشدین خلافت امویها آغاز شد و هیچ تاریخ‌نگار مطلع و منصفی نمی‌تواند معاویه و فرزند او یزید و مروان بن حکم و... را جزء دوازده خلیفه‌ای معرفی کنند که مایه عزت و عظمت اسلام می‌باشد پس از سپری شدن دوران امویها عصر سیاه بنی‌عباس آغاز شد که آن نیز به نوبه خود جنگ‌ها و خونریزی‌ها و آدم‌کشی‌های فراوانی را به دنبال داشت، بنابراین خلفای عباسی را نیز هرگز نمی‌توان مصداق این دوازده خلیفه پیامبر دانست علاوه بر این که هیچ‌کدام از این دو طایفه با دوازده نفر که پیامبر ﷺ فرمودند منطبق نبودند.

در این میان تنها گروهی که می‌تواند به تصدیق دوست و دشمن مصداق واقعی این دوازده خلیفه باشد، همان دوازده پیشوای معصوم شیعیان است که نام و خصوصیات و شیوه زندگی آنان و نیز وصایا و سفارشات پیامبر ﷺ درباره ایشان در کتب تاریخ و حدیث ضبط شده است. یکی از دانشمندان اهل سنت پیرامون دوازده خلیفه‌ای که پیامبر از آنان یاد کرده است می‌گوید: گذشت زمان روشن ساخت که مقصود پیامبر ﷺ از این دوازده خلیفه، همان امامان دوازده‌گانه از اهل بیت اوست. زیرا نمی‌توان این احادیث را بر خلفای راشدین تطبیق کرد، چون تعداد آنان از دوازده نفر کمتر است. همچنین نمی‌توان آنها را به پادشاهان اموی تطبیق کرد چون تعداد آنان از دوازده نفر بیشتر بوده و همگی جز عمر بن عبدالعزیز عناصر ظالم و ستمگر بوده‌اند گذشته از این در برخی از روایات پیامبر ﷺ فرمودند این دوازده نفر از بنی‌هاشم‌اند در حالی که خلفای بنی‌امیه از تیره «امیه» بوده‌اند. همچنین نمی‌توان این دوازده خلیفه را به خلفای عباسی تفسیر کرد زیرا تعداد آنان هم از دوازده نفر بیشتر بوده‌اند و اینان هم همیشه با نزدیکان پیامبر ﷺ در جنگ و ستیز بودند و فرمان خدا را درباره نزدیکان او رعایت نمی‌کردند بنابراین راهی جز این نیست که بگوییم مقصود پیامبر ﷺ در روایات مزبور، دوازده خلیفه از عترت و اهل بیت اوست که همگی داناترین و پارساترین مردم عصر خود بوده‌اند و علم خود را جز از طریق پدران خود که سینه به سینه به پیامبر می‌رسید نگرفته بودند.^(۱)

علمای شیعه در آثار مختلف خود به بحث از امامت پرداخته‌اند که سابقه این پژوهش به

۱. منابع المودّة، نگارش شیخ سلیمان بلخی قندوزی، ص ۴۴۶.

اصحاب ائمه اطهار علیهم السلام برمی گردد، ابن ندیم فهرست نگار معروف، علی بن اسماعیل بن میثم تمار را نخستین کسی می داند که در باب امامت رساله ای نوشت و همین طور هشام بن حکم، صحابی و شاگرد معروف امام صادق علیه السلام را نام می برد و دو رساله «الامامة» و «امامة المفضول» را از جمله تالیفات او دانسته است.^(۱)

به موازات تالیفات شیعیان در تبیین حقیقت و حقانیت امامت، مخالفان آنها هم در مقام نقد نظریه امامت برآمدند گفته اند ابوبکر اصم و هشام فوطی از نخستین کسانی بودند که در این مقام به بحث پرداختند که یکی از معروف ترین ردیه نویسی ها تحفه اثنی عشریه است که به زبان فارسی نگاشته شده است و مرحوم میرحامد حسین، عباقات الأنوار را در پاسخ به آن نوشته است.^(۲) و این گونه تالیفات ادامه داشته است تا جایی که محقق و کتاب شناس معاصر «عبدالجبار الرفاعی» که موفق به جمع آوری مجموعه ای از کتاب شناسی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله گردیده است تعداد ۱۳۰۵۹ اثر درباره امام و امامت را فهرست کرده است.^(۳) و مرحوم آقا بزرگ تهرانی ۱۲۰ کتاب مستقل از دانشمندان مسلمان را در باب امامت فهرست کرده است.^(۴)

رویکردهای متنوع در امامت شناسی

دانشمندان مسلمان، در بحث از امامت رویکردهای متعددی دارند. ما در اینجا به اختصار اهم این رویکردها را در تحلیل امامت گزارش می کنیم:

۱) رویکرد تفسیری - روایی

یکی از مهم ترین رویکردها در امامت پژوهی، رویکرد درون دینی است که با مراجعه به نصوص دینی (آیات قرآن کریم، سنت صحیح نبوی صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام) می کوشد تا حقیقت و حقانیت امامت را بیان کند. در هیچ یک از ادیان آسمانی، به اندازه اسلام به امر امامت و خلافت،

۱. محمد بن اسحاق ابن ندیم، الفهرست، فن ۲، مقاله ۵، ص ۳۲۷.

۲. ر.ک: محمدرضا حکیمی، میرحامد حسین، ص ۱۰۹.

۳. عبدالجبار الرفاعی، معجم ما کتب عن الرسول واهل البيت، ج ۵، ص ۱۳۳ و ج ۱۰، ص ۶۹.

۴. آقا بزرگ تهرانی، الذریعة إلى تصانیف الشيعة، ج ۱۲، ص ۳۳۰.

اهمیت داده نشده است. چه اهمیتی و عظمتی بالاتر از این که اطاعت از «اولو الأمر» به نص قرآن، در ردیف اطاعت از خدا و پیامبر ﷺ دانسته شده است؟

و به تصدیق عموم فرق اسلامی، مقصود از «اولو الأمر» فرمانروا است. فقط گفتگو و اختلاف در این است که مصادیق این فرمانروایان کیانند؟

پیامبر ﷺ هم از اولین لحظات دعوت و آغاز بعثت، تا آخرین دقایق حیات و دمام رحلت، از وصی و امام بعد از خود یاد فرموده است و در همه وقت و همه جا، در مکه و در مدینه، در خانه و بیرون، در مسجد و مجامع دوستان و در میدان جنگ، مستقیم و غیر مستقیم و عملاً و قولاً، بر امر ولایت و امامت، تأکید فرموده است. به طور مسلم، می توان ادعا کرد که بعد از اصول سه گانه دینی (توحید، نبوت، معاد) درباره هیچ موضوعی به اندازه موضوع امامت و ولایت، آیه و روایت وارد نشده است و پیامبر ﷺ به هر بهانه‌ای، از این موضوع سخن گفته‌اند.

جستار در آیات و روایات برای تبیین امامت، سابقه بسیار طولانی در ادبیات تفسیری و روایی دارد. مفسران و محدثان، آثار گرانمایی در تحلیل مسائل امامت آفریده‌اند. کتب تفسیری ذیل آیاتی که مربوط به امامت و ولایت و آیه تطهیر و مباحله و حدیث غدیر است بحث‌های مفصلی را دارند. محدثان عظیم‌الشان اسلام در باب امامت و ولایت هم آثار گرانمایی در تحلیل مسائل امامت آفریده‌اند. کتاب شریف الغدیر علامه امینی، در این میان یک پژوهش بی سابقه‌ای است. یکی دیگر از پژوهش‌های مهم در این باب کتاب عبقات الأنوار از میر حامد حسین (م ۱۲۴۶ هـ ق) است که بخش نخست آن به بحث از حقانیت امامت در قرآن می پردازد که هنوز چاپ نشده است و بخش دوم آن به تحلیل امامت در اخبار و احادیث اختصاص دارد این بخش متضمن پژوهشی سترگ در حدیث‌شناسی است که به تحلیل احادیث غدیر، منزلت، ولایت، طیر مشوی، مدینه العلم، و... پرداخته است.^(۱)

۱. ر.ک: محمد صحتی سرورودی، «عبقات الأنوار، کاری کارستان» آینه پژوهش، شماره ۶۶، بهمن و اسفند ۱۳۷۹،

رویکرد کلامی به مسأله امامت

مراد از امامت و ولایت در کلام شیعه، استمرار کلیه شئون پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به استثنای نبوت، بر جانشیان برحق ایشان است، توضیح این که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شئون متعددی داشته‌اند، این شئون عبارتند از:

(۱) تلقی و ابلاغ وحی.

(۲) تبیین و تشریح وحی و تفصیل احکام الهی.

(۳) قضاوت در منازعات عمومی و خصوصی مسلمانان.

(۴) ریاست عامه و زعامت سیاسی مسلمانان.

(۵) وساطت فیض بین آسمان و زمین.

همه مسلمین، در اینکه حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حائز تمامی شئون یاد شده بوده‌اند، اتفاق نظر دارند با رحلت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نبوت ختم شده و وحی الهی منقطع می‌گردد و نخستین شأن پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به پایان می‌رسد، اهل سنت معتقدند، با رحلت پیامبر کلیه شئون و اختیارات ایشان پایان می‌پذیرد، بدین نحو که پیامبر تنها معصوم است و پس از ایشان از جانب خداوند، کسی یا کسانی برای تبیین و تشریح معصومانة وحی و تفصیل احکام الهی معین نشده است. ریاست دنیای مردم به عهده اهل حل و عقد نهاده شده و از جانب خدا و رسول کسی به عنوان خلیفه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ منصوب نشده است.

در قضاوت کم و بیش حکم امام علی عَلِيٌّ را می‌پذیرفتند و لکن از بقیه امامان این سمت را هم سلب کردند. و شأن پنجم پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هم در کلام اهل سنت مورد بحث قرار نگرفته است.

شیعه معتقد است، اگر چه با رحلت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وحی منقطع می‌شود و نبوت ختم می‌گردد، اما از آنجا که قرآن کریم متکفل خطوط کلی اسلام است، و این خطوط کلی نیازمند تبیین و تشریح عاری از خطا و اشتباه است، به گونه‌ای که چنین تبیین و تشریحی همچون تبیین و تشریح پیامبر بر حق باشد، به علاوه اگر چه خداوند، تعالیم اسلامی را به طور کامل به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ابلاغ کرده است، و پیامبر نیز این تعالیم آسمانی را به مسلمانان ابلاغ کرده است، اما آنچه پیامبر فرموده همه آن چیزی نیست که خطاب به عموم مسلمانان شده، چرا که ابلاغ عمومی تمام آن تعالیم جهان شمول و زمان شمول محتاج وقوع ظرف زمان مناسب است. از همین رو جزئیات و

تفصیل بسیاری از احکام الهی در کلمات پیامبر ذکر نشده است، لذا از جانب خداوند، کسانی عهده‌دار تبیین و تشریح معصومان و وحی و تفصیل احکام الهی گشته‌اند. این افراد منصوب از جانب خداوند که توسط پیامبر ﷺ به مردم معرفی شده‌اند در کلام شیعه امام یا ولی نامیده شده متکلمان شیعه بر اساس این دیدگاه که نظریه امامت، از ارکان آموزه‌های دینی است بحث از آن را در آثار کلامی طرح می‌کنند. روش متکلمان شیعه در بحث از امامت عامه، روش تحلیلی و منطقی است. آنها با ابزارهای منطقی، ضرورت عقلی نصب امام به وسیله خداوند و شرایط امام، همچون عصمت و سایر مباحث مربوط به آن را طرح می‌کنند. روش متکلمان در این رویکرد پای بندی به دلیل و برهان می‌باشد. البته متکلمان در مقام اثبات و تبیین و هم در مقام دفاع و نقد، روش‌های متنوعی دارند. آنها بر خلاف فلاسفه که فقط ملتزم به برهان می‌شوند از تعدد روش در استدلال برخوردارند به همین دلیل است که در بسیاری از مباحث امامت خاصه بر خلاف امامت عامه از روش‌های نقلی و درون دینی بهره می‌جویند.^(۱)

خواجه نصیرالدین طوسی، متکلم مؤثر شیعی که او را مؤسس کلام فلسفی شیعه نامیده‌اند، در تجرید الاعتقاد در مقصد پنجم که بحث از امامت می‌کند همانند روش خویش در مقصد اول و دوم و سوم و چهارم ساختار منطقی و عقلانی به مباحث امامت داده است.

از دیدگاه متکلم شیعی شرایط تصدی منصب امامت عبارتند از:

(۱) منصوص بودن؛ به این معنا که خداوند به توسط پیامبر ﷺ امام را نصب و معرفی

می‌کند.

(۲) عصمت؛ یعنی همان گونه که پیامبر که مبلّغ دین خداوند است باید معصوم از گناه و اشتباه باشد امام هم که مبین و شارح وحی الهی است باید معصوم از گناه و اشتباه باشد.

(۳) علم لدنی؛ یعنی امام باید دارای علمی الهی باشد تا بتواند کلام خداوند را همان طور که او اراده کرده است تبیین و تفسیر کند نه از طریق ظواهر و ظنون.

مرحوم خواجه نصیرالدین طوسی در مبحث امامت تجرید الاعتقاد می‌فرماید:

«الإمام لظنّف فیجب نصبه علی الله تعالی تحضیلاً للغرض... وامتناع التسلسل یوجب عصمته،

ولأنّه حافظ للشرع، ولوجوب الإنکار علیه نو اقدم علی المعصیة فیضاد أمر الطاعة، ویفوت

۱. ر.ک: احد فرامرز قرامنکی، روش‌شناسی مطائعات دینی، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ص ۲۰۹.

الغرض من نصبه، ولانحطاط درجته عن أقل العوام وقبح تقديم المفضول معلوم، ولا ترجیح فی المساوی والعصمة تقتضی النص وسیره علیه السلام وهما مختصان بعلی علیه السلام»^(۱)

تبیین و تشریح وحی و تفصیل و بیان جزئیات احکام الهی از سوی ائمه اطهار از سنخ نقل و توضیح و تفسیر صحابه و تابعین نیست و همین طور از قبیل اجتهاد و استنباط و تفقه مجتهدان و فقیهان. بلکه به تعبیر مرحوم مطهری «در این مرتبه از امامت نوعی کارشناسی اسلامی است اما یک کارشناسی خیلی بالاتر از حد یک مجتهد، کارشناسی ای از جانب خداوند، وائمه یعنی افرادی که اسلام شناس هستند البته نه اسلام شناسانی که از روی عقل و فکر خودشان اسلام را شناخته باشند که قهراً جائز الخطا باشند بلکه افرادی که از یک طریق رمزی و غیبی که بر ما مجهول است، علوم اسلام را از پیغمبر گرفته‌اند.»^(۲)

رویکرد تاریخی به امامت

رویکرد تاریخی در امامت پژوهی، غالباً به امامت خاصه متعلق است. مورخان اسلامی، مسأله امامت را نخستین مسأله سرنوشت ساز در تاریخ اسلام می‌دانند و بر اساس این نگرش به تحلیل این مسأله اساسی می‌پردازند. دانشمندانی که با رویکرد تاریخی به تحلیل مسأله امامت پرداخته‌اند اولین سؤالی که فراروی خود می‌بینند این است که آیا پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله برای پس از رحلت خود، شخص خاصی را برای تصدی امر امامت معین فرموده‌اند یا نه؟ شیوه این دانشمندان در این گونه مسائل مراجعه به اسناد و دلایل تاریخی که از صدر اسلام به جا مانده است می‌باشد. پرداختن به ماجرای مواجهه عملی امت و سران قوم پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام و نقد و بررسی این ماجرا، یکی از عمده‌ترین مباحث رویکرد تاریخی است. ماجرای تاریخی امامت پس از رحلت رسول گرامی اسلام از چند حیث قابل مطالعه و بررسی است. که از جمله آنها توصیف دقیق آنچه به وقوع پیوست و نقد ماجرا می‌باشد این دو حیث مربوط به رویکرد تاریخی است مورخان آثار متعددی نگاشته‌اند که نمونه‌ای از آن عبارتند از

۱. خواجه نصیرالدین طوسی، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ اول، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ص ۱۸۸-

۲. مرتضی مطهری، امامت و رهبری، ص ۵۲، انتشارات صدرا، چاپ دوازدهم.

کتاب السقیفة و الخلافة از عبدالفتاح عبدالمقصود.

رویکرد عرفانی به امامت

انسان کامل، در عرفان نظری و عرفان عملی، جایگاه معرفتی بسیار مهمی دارد و نظریه انسان کامل، نزد عرفا با ولایت و امامت در نزد شیعه ارتباط و همبستگی عمیقی دارد در مباحث عرفانی نامی از امام برده نشده و هر کجا سخن در این باره به میان آمده با نام ولایت بوده است در واقع رویکرد عرفانی به مسأله امامت، تحلیل ضرورت وجود ولی به عنوان انسان کامل و نقش او در سلوک الی الحق می باشد. بنابراین امامت در رویکرد عرفانی تصویر خاصی می یابد که در عرض تصویرهای مأخوذ از سایر رویکردها نیست و قابل جمع با دیگر تفاسیر از امامت به جز تفسیر فقهی اهل سنت از امامت می باشد.

تصویر عرفانی از امامت ابعاد معرفتی را بیان می کند که از نگرش اصیل شیعی بیرون نیست در همین زمین مرحوم سید حیدر آملی می فرماید:

«و باطن هذه النبوة هي الولاية المطلقة والولاية المطلقة هي عبارة عن حصول مجموع هذه الكمالات بحسب الباطن في الأزل وبقائها إلى الأبد كقول أمير المؤمنين عليه السلام: «كنت ولياً وأدم بين الماء والطين»^(۱).

باطن نبوت ولایت می باشد این ولایت مطلق است و صاحب این ولایت جمیع کمالات انسان کامل را دارا بوده است و تا ابد هم باقی می باشد، همانند امیرالمؤمنین عليه السلام که می فرمایند: من ولی بودم در حالی که آدم هنوز خلق نشده بود.

آقا محمدرضا قمشه ای هم می فرماید:

ولایت باطن نبوت است و نبوت ظاهر ولایت، ولایت فوق نبوت است به این معنا که در فرد واحد ولایت اتم و اکمل از نبوت تشریحی و رسالت می باشد. امتیاز انبیاء بر یکدیگر ناشی از میزان ولایت آنهاست چه بسا ولی عصری افضل از انبیاء عصر دیگر باشد. اما اولیاء و اوصیاء تابع یک نبی در ولایت نیز در مرتبه نازله ولایت آن نبی هستند.^(۲)

۱. سید حیدر آملی، جامع الأسرار و منبع الأنوار، ص ۳۸۲.

۲. آقا محمدرضا قمشه ای، حواشی فصوص مندرج در رسائل فیصری، ص ۸۹-۶۶.